

۱- مقدمه

مطالعات مرتبط با قضاوت و تصمیم‌گیری به این امر دلالت دارد که افراد همیشه مطابق مدل منطقی و کلاسیک تصمیم‌گیری اقتصادی عمل نمی‌کنند. تحلیل کلاسیک فرض می‌کند که انسان‌ها کاملاً سازگار و حایز شرایط منطقی و دارای قدرت محاسباتی نامحدود هستند. اما شواهد نشان می‌دهد که منطق انسانی با عوامل احساسی و شناختی محدود می‌شود. (Tverski, 1995) بیش از نیم قرن، نظریه نوین مالی که بر دو پارادایم اصلی رفتار عقلایی عاملهای اقتصادی و فرضیه بازارهای کارا تکیه داشت، بر بازارهای مالی حاکم بود. اما وجود برخی شواهد تجربی مانند استشاهای بازار که توسط مدل‌های رایج فرضیه بازار کارا قابل تبیین نبودند، زمینه‌ساز پیدایش نظریه‌ای به نام مالی رفتاری گردید.

ایده رفتار کاملاً عقلایی سرمایه‌گذاران جهت توجیه رفتارشان در بازار سهام کافی نیست. وجود عوامل روانی بسیاری موجب می‌شود که افراد در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود به صورت کاملاً عقلایی عمل نکنند. (لشکری، مرتاضی، ۱۳۹۰)

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین اذعان داشت که در بحث‌های مالی رفتاری، ویژگی‌های رفتاری که بر تصمیم‌گیری‌های افراد مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بسیاری از صاحب‌نظران جدید مالی رفتاری معتقدند که ریشه‌های اصلی این رشتہ را باید در روانشناسی شناختی جستجو کرد. (رهنمای، ۱۶)

روانشناسی شناختی گرایشی از علم روانشناسی است که با نحوه کسب اطلاعات از دنیای پیرامون، بازنمایی این اطلاعات و تبدیل آن به دانش و تجربه، روش انباست آن و شیوه بکارگیری آن به منظور جهت‌دهی به توجه و رفتار انسان سروکار دارد. روانشناسی شناختی مدخل استفاده علوم اقتصادی از علوم روانشناسی است. بنابراین در صورتی که شناخت به شکل ناقص رخ دهد، منجر به تصمیم‌گیری اقتصادی یا سرمایه‌گذاری ناصحیح می‌شود. (سعیدی، ۷۴-۷۵)

گرایش (میل) افراد به خطا در قضاوت بر پایه عوامل شناختی را تورش شناخت می‌نامند. انواع تورش‌های شناخت به خطای رفتاری در سطح فردی یا اجتماعی می‌انجامد. برخی از این

تورش‌های رفتاری در مسائل اقتصادی از منظر قرآن کریم

محمد سجاد سیاهکار زاده^۱
امیر خادم علیزاده^۲

چکیده

از نیمة قرن ۲۰ میلادی اندیشمندان اقتصاد به دستاوردهای علم روانشناسی توجه و نقدها و نقد فرض اساسی انسان عقلایی در مکتب نوکلاسیک و نیوکلیزی به عنوان بدیلهای جدید برای توضیح پدیده‌های اقتصادی در آستانه هزاره سوم تبیین کرده‌اند. اقتصاد رفتاری ترکیب دو علم اقتصادی و روانشناسی است و موضوع آن عبارتست از بیان علت محدودیت‌های انسان و انحراف از عوامل اقتصادی در اقتصادی رفتاری مفروضات اقتصاد کاملاً عقلایی کثار گذاشته شده و به محدودیت‌های انسان و انحراف از تصمیمات عقلایی پرداخته می‌شود. یکی از مباحثی که در اقتصاد رفتاری به آن پرداخته می‌شود تورش‌ها و انحرافات رفتاری است. این تحقیق بر آن است باروشه تحلیلی- استنباطی و با مراجعه به آیات قرآن کریم، بحث تورش‌های رفتاری را با نگاهی اقتصادی بررسی نماید. این تحقیق ضمن پادآور شدن تفاوت ماهوی خاستگاه طرح تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف و قرآن کریم، برخی دلالت‌های اقتصادی را در خصوص تورش‌های رفتاری و شناختی در قرآن کریم اشاره می‌نماید.

کلید واژه‌ها: تورش‌های رفتاری، اقتصاد و مالی رفتاری، گزاره‌های رفتاری قرآن کریم
طبقه‌بندی JEL: D.۳ و G.۲

۱- دانشجوی دکتری مدیریت امام صادق(ع) (نویسنده مسئول);

۲- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی؛

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

این نظریه و تحت عنوان استشانها بازار در مقابل نظریه دیگری با نام مالی رفتاری با هدف ادغام روانشناسی با اقتصاد به چالش کشیده شده است. او در این مقاله ضمن مرور مفاهیم و مطالعات انجام شده در هر دو حوزه، از تاریخ شکل‌گیری آن‌ها و بررسی نقاط ضعف و قوت هر دو نظریه و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها بحث می‌کند. نتیجه‌گیری نهایی از مطالعات و شواهد موجود حاکی از این واقعیت است که نقش مالی رفتاری در تبیین رفتار بازار و عامل‌های اقتصادی غیرقابل انکار است.

خواجوی و قاسمی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «فرضیه بازار کارا و مالی رفتاری» اشاره می‌کند، حجم گسترده‌ای از تحقیقات بازار سرمایه به فرضیه بازار کارا جهت تبیین رفتار قیمت‌ها پرداخته است. مالی رفتاری شامل بخش گسترده‌ای از جنبه‌های روانشناسی و علوم اجتماعی است که تنافض زیادی با فرضیه بازار کارا دارد. این مقاله به بررسی استشانها بازار کارا و شواهد تجربی آن و نقش مالی رفتاری در تبیین آن می‌پردازد.

اسلامی بیدگلی و کردلوئی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مالی رفتاری، مرحله‌ی گذر از مالی استاندارد تا نوروفراینس» به بررسی آنچه در بازارهای مالی و اقتصادی تا به حال به عنوان پایه و اساس تحقیقات وجود داشته و به عنوان مالی استاندارد نام برده می‌شده می‌پردازند، سپس مشکلات آن و عدم انتظام یافته‌های آن با واقعیت ذکر می‌نمایند. آنچه واقعیت را از خود متاثر می‌سازد و بر تصمیمات مالی اثر می‌گذارد مکتب جدید تری از مالی است که تحت عنوان مالی رفتاری شناخته شده است. وجود تورش‌هایی باعث گردیده است که به وجود مالی رفتاری پی برده شود. اما از آنجاکه این مکتب تنز فقط آثار و علائم را نشان داده و از ذکر علت‌ها عاجز مانده است، محققان مکتب دیگری را یافته‌اند که علت تورش‌های رفتاری از آنچه نشات گرفته است. این مکتب جدید که برگرفته از سیستم عصبی انسانها و اثر آن بر تصمیمات به خصوص تصمیمات مالی و اقتصادی است به مکتب نوروفراینس معروف شده است.

بدری و گودرزی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «مالی رفتاری، سوگیری نماگری و متغیرهای بینادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران» بیان می‌دارد، مطابق یکی از سوگیری‌های رفتاری، سرمایه‌گذاران بر مبنای عملکرد گذشته شرکت‌ها، طبقه‌بندی‌های ذهنی خاصی را در ذهن خود برای پیش‌بینی رخدادهای آتی انجام داده و در پی یافتن شباهت‌هایی در عملکرد شرکت‌ها هستند. به این دسته از تورش‌های رفتاری، سوگیری «نماگری» اطلاق می‌گردد. این سوگیری موجب می‌شود، تا سرمایه‌گذاران روندها را به صورت نادرست تفسیر نمایند. تحقیق

تورش‌های شناختی عبارتند از خودفریبی و بیش‌اطمینانی^۱، تورش تداوم وضعیت کنونی^۲، تورش توهم کنترل^۳، تورش خودخدمتی^۴ و تورش خوش‌خيالی^۵. (سعیدی، ۹۴) این تحقیق در نظر دارد تا بر اساس روشی تحلیلی - استباطی و با تحلیل محتوای آیات قرآن کریم، گزاره‌هایی را مطرح نماید که این گزاره‌ها دلالت بر تورش‌های رفتاری انسان در عرصه اقتصادی و در معنایی وسیع‌تر اجتماعی دارد. به واقع سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا قرآن کریم در خصوص تورش‌ها و انحرافات رفتاری که می‌تواند ناشی از مسائل شناختی باشد، گزاره‌ای بیان می‌کند؟ اگر آری، چه گزاره‌های رفتاری مطرح می‌شود و تناسب این گزاره‌ها با فعالیت‌های اقتصادی انسان کدام است؟

در این تحقیق ابتدا جایگاه مالی و اقتصاد رفتاری از نظر ماهیت و هدف و نیز علت توجه به تورش‌های شناختی و رفتاری در اقتصاد متعارف مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس علت بیان انحرافات و تورش‌های رفتاری از سوی قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از بررسی این مبانی، گزاره‌هایی از قرآن بر اساس تقاضای مطرح می‌گردد و تلاش می‌شود تا دلالت‌های اقتصادی و مالی این آیات بیان شود.

۲- ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر در رابطه با موضوع اقتصاد و مالی رفتاری و به ویژه در رابطه با بازار سرمایه و بر اساس اطلاعات بورسی تحقیقات قابل قبولی در کشور انجام شده است، بر همین اساس در دنیا نیز ابعاد و حجم مطالعات در این حوزه وسعت بسیار بیشتری دارد. اما در رابطه با بررسی نسبت مالی رفتاری با سایر بینانهای نظری و از جمله مبانی دینی تحقیقات چندانی در دست نیست. در ادامه به برخی تحقیقات انجام شده در حوزه مالی رفتاری در کشور و همچنین مطالعات اندک صورت گرفته در خصوص مباحث مالی رفتاری و اسلام در دنیا مختصرآً اشاره می‌شود.

تلنگی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری» بیان می‌دارد، بیش از نیم قرن صلابت نظریه نوین مالی با تکیه بر دو پارادایم اصلی رفتار عقلایی عامل‌های اقتصادی و فرضیه بازارهای کارا با وجود برخی شواهد تجربی غیرقابل تبیین توسط مدل‌های رایج

1 . Overconfidence
2 . Status Quo bias
3 . Illusion of control
4 . Self-serving bias
5 . Excessive optimism

۳- مبانی تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف

مدلهای مالی سنتی مبنایی در علم اقتصاد دارند و در واقع اقتصاد نئوکلاسیک همان پارادایم

غالب و مبنا است. اقتصاد نئوکلاسیک فرضیات بنیادینی درباره افراد به شرح ذیل دارد:

- افراد دارای ترجیحات منطقی در خصوص عایدات محتمل یا وضعیت‌های طبیعت هستند.
- افراد در صدد حداکثرسازی مطلوبیت و بنگاه‌ها به دنبال حداکثرسازی سود هستند.
- افراد بر اساس کلیه اطلاعات مربوط تصمیمات مستقل اتخاذ می‌کنند.

یکی از انتقادات در خصوص مدل‌های سنتی در اقتصاد و مالی این است که آنها به گونه‌ای مدل‌سازی شده‌اند که گویی تصمیم‌گیرنده عادی شخصی است با ظرفیت ذهنی نامحدود که همه اطلاعات مرتبط را در نظر می‌گیرد و بهترین انتخاب را بر اساس شرایط در فرآیندی با عنوان بهینه سازی محدود اتخاذ می‌کند. این در حالی است که اشخاص عادی کامل نیستند و الزامات اطلاعاتی برای برخی مدل‌ها خیلی نامطلوب و دارای خطأ هستند. (Ackert and Deaves, 2010)

در دهه‌های اخیر همزمان با افزایش نشانه‌های ناکارآمدی این دسته از نظریه‌ها (نظریه‌های نئوکلاسیک) در پاسخ‌گویی به پدیده‌های اقتصادی، دیدگاه‌های انتقادی شکل گرفته تا ضعف‌ها را پاسخ دهد. در حوزه شناخت رفتار انتقاد آن است که رویکرد اقتصاد متعارف خط مشی آرمانی برای انسان تعریف کرده است اما راهکارهای منبعث از این مشی، مبتنی بر رفتار واقعی انسان نیستند. رویکرد اقتصاد رفتاری در صدد چاره‌جویی عملی برای مسائل و مشکلات نظریه‌های نئوکلاسیک اقتصادی بوده و به این دلیل فروض بنیادی غیر واقعی نئوکلاسیم در مورد انسان را مورد بررسی و نقد قرار داده و آن‌ها را تعدیل نموده است. (سعیدی، ۱-۲)

مالی رفتاری رشته نسبتاً جدید اما سریعاً در حال گسترشی است که به دنبال توضیح تصمیمات اقتصادی افراد با استفاده از ترکیب تئوری روانشناسی شناختی و رفتاری با مالی و اقتصاد متعارف است. عامل رشد تحقیقات مالی رفتاری، ناتوانی تئوری حداکثرسازی مطلوبیت مورد انتظار سنتی سرمایه‌گذاران منطقی در چارچوب بازارهای مالی کارا برای توضیح بسیاری از الگوهای تجربی است. مالی رفتاری در تلاش است تا این ناسازگاریها را از طریق توضیحات مبتنی بر رفتار انسانی در هر دو بعد فردی و گروهی حل نماید.

حاضر قابلیت پیش‌بینی بازده سهام در کوتاه مدت و بلندمدت را با طبقه‌بندی عملکرد تاریخی حسابداری شرکت‌ها بر مبنای نرخ رشد فروش، نرخ رشد سود حسابداری، نرخ رشد سود خالص و با استفاده از روش مطالعه پرتفوی مورد بررسی قرار داده است. همچنین تاثیر «ثبات» عملکرد گذشته شرکت‌ها در عکس العمل سرمایه‌گذاران و رفتار قیمتی سهام و نیز اطلاعات آتی تائید کننده یا مخالف روند گذشته مورد آزمون قرارگرفته است. نتایج آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد که در افق میان مدت، پرتفوی مومنوم مبتنی بر متغیرهای بنیادی حسابداری، بازده غیرعادی مثبت و معنی دار ایجاد می‌کند، اما در افق بلندمدت منجر به بازده غیرعادی نمی‌گردد.

Tahir و Brimble (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان « Riftar سرمایه‌گذاری اسلامی » ضمن اشاره به رشد قابل توجه مالی و بانکداری اسلامی در دهه‌های گذشته در سطح جهانی بیان می‌دارند که مطالعات تجربی اندکی در خصوص تاثیر دین و مذهب بر تصمیمات مالی وجود دارد. در واقع تحقیق اخیر به دنبال این موضوع است. طبق نتایج این تحقیق، اسلام بر رفتار سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد، اما درجه این تأثیر متناسب است با درجه مذهبی بود افراد. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که شکل غربی حداکثرسازی ثروت در میان مسلمان نیز وجود دارد و مسلمانان نیز علاقه‌مند به در نظر گرفتن اصول سرمایه‌گذاری پایدار در تخصیص دارایی‌ها هستند.

Pitluck (2008) در تحقیقی با عنوان « Riftar اخلاقی در بازار سرمایه: مالی اسلامی و سرمایه‌گذاری مبتنی بر مسئولیت اجتماعی » خواستگاه بحث خود را پاسخ به علت فراگیر بودن عدالت اجتماعی یا شرایط مذهبی در میان مدیران حرفه‌ای صندوق در مالزی و اینکه چرا این مباحث هنوز در بازار سهام ایالات متحده تأثیر نسبتاً اندکی دارد، بیان می‌کند. بر اساس بیش از ۱۲۵ مصاحبه با فعالان مالی در مالزی، این مقاله بیان می‌دارد که رفتار سرمایه‌گذاری اخلاقی در بازار سهام اساساً از طریق ساختار بازار شکل می‌یابد تا توسط مقررات اجرایی و دستوری. در هر دو کشور مقررات دستوری شکل ضعیفی از کنترل اجتماعی رفتار مدیر صندوق به حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری اجتماعی در ایالات متحده ضعیف است، زیرا تنها مبتنی بر مقررات دستوری علایق اخلاقی مشتریان را به مدیران صندوقشان مرتبط می‌سازد. در همین حال مالی اسلامی و اخلاقی در مالزی قوی است، زیرا انگیزه‌های اجتماعی و اسلامی ساختار بازار سهام مالزی اصلاح نموده است.

خودفریبی به این باز می‌گردد که چگونه افراد می‌توانند بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار از طریق مرتبط ساختن موقوفیت‌ها به انتخاب‌های خودشان و شکست‌ها به تأثیرات ناشی از دیگران اثر بگذارند (تورش خود استنادی^۱) و چگونه بسیار مثبت اندیش بودن بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد. همچنین اثر به تأثیرات احساسی انتخابی بر سرمایه‌گذاران باز می‌گردد، شامل تأثیر عواطف (علاقه یا عدم علاقه)، ادراک ریسک و بازده (اثر شهودی) و تأثیر پشمیمانی‌گریزی بر تصمیم‌گیری. (Dowling and Lucey, 2010)

همانطور که در مباحث فوق بیان شده است، در نگاه اقتصادی و مالی متعارف هدف اصلی از معروف تورش‌های رفتاری توجه دادن به آنها، جلوگیری از خطای انسان اقتصادی در فعالیت‌های مالی و اقتصادی به منظور پیش‌گیری از زیان مالی یا کاهش سود و بازده است. (سعیدی، ۳۴۸) مهمترین علتی که علم اقتصاد و مالی رفتاری جایگزین اقتصاد نوکلاسیک شده است، عدم قدرت پیش‌بینی اقتصاد نوکلاسیک به منظور ارائه اطلاعات جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی است. چرا که امروز ثابت شده است که بسیاری از رخدادها در عرصه‌های اقتصادی منشاء رفتاری و روانی دارد و با تحلیل‌های متداول نوکلاسیکی نمی‌توان آنها را پیش‌بینی نمود. افراد در مالی استاندارد منطقی هستند، در حالی که افراد در مالی رفتاری نرمال و طبیعی هستند. (1995) Statman، (از سوی دیگر در علم اقتصاد رفتاری بر اساس مطالب که اشاره شد، علت طرح مسئله تورش‌ها و انحرافات شناختی و رفتاری این است که انسان اقتصادی برای اتخاذ تصمیمات صحیح که او را به سمت بازده و سود بیشتر رهمنمون گردد و نیز از زیان و ضرر ایمن دارد، می‌باشد نسبت به این تورش‌ها آگاهی داشته باشد.

۴- مبنای طرح تورش‌های رفتاری در قرآن کریم

در این بخش برآئیم تا با استناد به آیات قرآن به مبنای دست یابیم که بر اساس آن قرآن کریم تورش‌ها و خطاهای رفتاری را مورد توجه و اندزار قرار می‌دهد. اساساً چرا قرآن کریم به این امر اشاره می‌نماید. در صورت رسیدن به این مبنایت که می‌توان در پی یافتن تورش‌های رفتاری با نگاه اقتصادی از منظر قرآن کریم بود، چرا که تورش‌ها در هر بعدی و از جمله اقتصادی نسبت به یک مبنایی تورش معین خواهند شد، یعنی انسان را دچار انحراف می‌نمایند.

فرضیه زیربنایی مالی رفتاری این است که ساختار اطلاعات و ویژگی‌های مشارکت کنندگان بازار به صورت سیستماتیک بر تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد و همینطور خروجی‌های بازار اثر می‌گذارد. فرآیند تفکر مانند یک کامپیوتر کار نمی‌کند. بر عکس، مغز انسان اغلب اطلاعات را با استفاده از میانبرها و فیلترهای احساسی پردازش می‌نماید. این فرآیندها تصمیم‌گیرندهای مالی را متأثر می‌سازد به گونه‌ای که افراد غالب در یک حالت تاحدوی غیرمنطقی عمل می‌کنند، به طور معمول بر خلاف مفاهیم سنتی ریسک گریزانه رفتار می‌کنند و خطاهای قابل پیش‌بینی را در پیش‌بینی هایشان مرکب می‌شوند. این مشکلات در تصمیمات سرمایه‌گذاران، بازارهای مالی و رفتاری مدیریتی شرکتها رایج می‌باشد. این تصمیمات مالی غیربهینه اثرات ناپیدایی را برای کارایی بازارهای مالی، رفاه فردی و عملکرد شرکت‌ها به دنبال دارد. (Baker and Nofsinger, 2010) اقتصاد کلاسیک و مطالعه بازارهای مالی از دیدگاه هنجارگرایی بنیان‌هایی دارد که در عقلانیت نماینده‌گان اقتصادی نهفته است. هر تصمیم مالی که اتخاذ می‌شود بر این اساس است که سرمایه‌گذار مطلوبیت مورد انتظار معینی (رفاه) را حداکثر می‌سازد. علاوه بر این، بر اساس مطالعات نظری، سرمایه‌گذاران به گونه‌ای رفتار نمی‌کنند که گویی منطقی هستند، بلکه بر عکس، تورش‌های زیادی را به نمایش می‌گذارند که منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری ضعیفی در شرایط خاص می‌شود. (Toma, 2015)

روانشناسی شناختی به عنوان خاستگاه ورود روانشناسی به مباحث اقتصادی به این نتیجه رسیده است که کل فرآیند شناخت انسان از محیط و ادراکات وی می‌تواند دستخوش تورش (خطا) گردد. بر اساس یافته‌ها حتی استباها، دیگر در سطح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه در تصمیم‌گیری گروهی نیز ممکن است، رخ دهدن. (سعیدی، ۱۳۹۰، ۷۲)

به طور کلی سه گروه از تورشها وجود دارد؛ اینرسی^۲، خودفریبی^۳ و اثر^۴. اینرسی تأثیری است بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار بر اساس کاهش سرعت بروزرسانی باورهای او (محافظه کاری^۵)، انتخاب گزینه پیش فرض زمانی که مجموعه ای از انتخابها وجود دارد (تورش تداوم وضعیت کنونی^۶) و نمایش عدم تمایل به از دست دادن مالکیت خود (تورش مالکیت^۷).

1 . Inertia

2 . self-deception

3 . Affect

4 . conservatism

5 . status quo bias

6 . endowment effect

در دیدگاه سرمایه‌داری حداکثر کردن لذت‌های مادی و غرائز حیوانی غایت آمال انسان است. در حالی که از دیدگاه وحی ارضای تمایلات مادی امری ضروری است، اما لذت‌های بسیار برتری برای انسان مطرح شده که با لذت‌های مادی قابل قیاس نیست.

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أَخْفَى لَهُمْ مِنْ قُرْبَةٍ أَعْيُنٌ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجدة، ۱۷)،
(معصومی‌نیا، ۱۳۲)

وقتی هدف به صورت کسب بیشترین تمتع مادی تعریف شد، عقلانیت به معنای انتخاب بهترین وسیله موجود برای دستیابی به هدف یاد شده منحصر خواهد شد. این در حالی است که از دید وحی، عقل در جایگاه خودش قرار می‌گیرد. هدف این است که انسان به سعادت دنیا و آخرت دسترسی پیدا کند. از آنجا که خداوند متعال استفاده از نعمت‌ها و لذت‌های دنیوی را روا شمرده است، مسلمان عاقل از تمتعات مادی نیز استفاده خواهد کرد. قرآن کریم یکی از عامل‌های گرفتار شدن دوزخیان به عذاب را عدم تعقل برشموده است. «وَقَالُوا لَوْ كَنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقُلُ مَا كَنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (الملک، ۱۰)، (معصومی‌نیا، ۱۳۳ و ۱۳۴)

در نگاه قرآن هدف سعادت دنیوی و اخروی بشر است، ضمناً قرآن به عنوان کلام خداوند به موارد و خطای و لغایت‌هایی در انسان اشاره می‌کند و او را به سمت خوبی‌هایی رهنمون می‌دارد که با فطرت بشر و روح الهی او سازگاری دارد و برخی از آن‌ها نیز ناشی از غرایز حیوانی اوست. بر اساس آنچه بیان شد، مبنای بیان تورش‌ها و انحرافات رفتاری و شناختی در انسان هم در منطق قرآن و هم در منطق اقتصاد متعارف هدایت انسان به سوی مطلوبیت بیشتر و پرهیز حداکثری از زیان و خسارت است. اما در منطق اقتصاد متعارف مطلوبیت بیشتر در کسب منفعت و سود بیشتر در دنیا یا به عبارت قرآنی صرفاً سعادت دنیوی است، در حالی که در منطق قرآن کریم مطلوبیت بیشتر هم در دنیا و هم در امور معنوی و اخروی می‌باشد. دنبال شود یا به عبارت دیگر سعادت دنیوی و اخروی است و سعادت ابدی و اخروی بر دنیوی ترجیح دارد.

۵- دلالت‌های اقتصادی توضیحات در قرآن کریم

در قرآن کریم گزاره‌های رفتاری بی‌شماری در جهت نیل انسان به کمال و سعادت واقعی ذکر شده است. این گزاره‌ها در قالب توصیه‌های مستقیم و غیرمستقیم، اندزهای و بیم دادن‌ها و همچنین در بیان عقوبات‌ها و پاداش‌ها بیان شده است. بسیاری از این گزاره‌های قرآن جنبه عمومی دارد و در

در کلام خدا عبارت «فوز» و رستگاری ذکر شده است که در واقع عبارت است از مشمول رحمت خدا واقع شدن و خشنودی او را کسب کردن و رسیدن به مقام رضا^۱ سبب تام برای حصول رحمت و وصول به فوز، تقوی و نگهداری نفس از بدیها و طریق جهنم است. (حاجی اسماعیلی، ۱۱۱)

در آیات دیگری از قرآن کریم عده‌ای را نجات یافتگان می‌خواند و ایشان را متقيان^۲، پیروان پیامبران^۳ و نهی کنندگان از منکر^۴ معرفی می‌کند. «سعد» واژه دیگری است که در بررسی مفهوم نجات و رستگاری در قرآن بدان اشاره شده است. سعد در لغت، مقابل واژه «شقی» است و از نظر معنایی دلالت بر خیر و سرور و خوش یمنی می‌کند. دوری از «شقاوت» منوط به پیروی از «هدایت» است که از سوی خدا آمده و آن همان تشریع دین است. (حاجی اسماعیلی، ۱۱۲ و ۱۱۵)

بنابراین می‌توان ادعا کرد که نیل به سعادت و رستگاری به معنای مورد نظر قرآن کریم، زیربنایی اساسی و بنیانی روشن در زندگی بشری است. بدیهی است که نسبت سعادت با آنچه بر اساس آیات قرآن به عنوان هدف خلقت و آفرینش بشر ذکر می‌شود یعنی طاعت و عبادت خداوند^۵ و یا وصول به رحمت الهی^۶ مشخص و قابل تبیین است.

سعادت به لذت پایداری گفته می‌شود که از جهت کمی و کیفی دارای برتری و دوام نسبت به سایر لذت‌های است. از دید آیه‌های قرآن، انسان موجودی است دو بعدی؛ انسان یک بعد مادی دارد که بدن اوست و یک بعد غیرمادی که روح اوست و حقیقت انسان به روح اوست:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمُلَائِكَةِ إِنِّي خالقٌ بَشَرًا مِنْ صَلَصالٍ مِنْ حَمَّا مَسْنُونٌ – فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَخْتُفْتُهُ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ ساجِدينَ» (الحجر، ۲۸ و ۲۹)، (معصومی‌نیا، ۱۳۲)
از نظر قرآن، سعادت انسان که موجودی مركب از روح و بدن می‌باشد، عبارت است از رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن. (کبیری و معلمی، ۷۶)

۱- المائدہ، ۱۱۹؛ الانعام، ۱۶؛ النساء، ۷۳؛ الجاثیه، ۳۰

۲- مریم، ۷۱ و ۷۲

۳- هود، ۵۸؛ البقره، ۴۹؛ یونس، ۱۰۳

۴- الاعراف، ۱۶۵

۵- الذاريات، ۵۶

۶- هود، ۱۱۹

در تفاسیر دیگر نیز از جمله تفسیر تبیان اشاره شده است که «خداوند تعالی در این آیه خبر می دهد که هیچ جنبه‌های نیست مگر اینکه خداوند تعالی متکفل روزی دادن به او باشد.» (تبیان فی تفسیر القرآن، ۴۵۰ / ۵)

آیات دیگری نیز در قرآن دلالت بر رزاقیت خداوند دارند که عبارتند از:

ب- «لَهُ مِقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ أَنْهُ بَكْلَ شَيْءٍ عَلَيْهِ» (الشوری، ۱۲) «کلیدهای آسمان و زمین از آن خداوند است برای هر کس بخواهد گشایش در روزی پدید می آورد.»

ج- «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّازَاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمُتَّبِّنِ» (الذاريات، ۵۸) «پس به سوی خدا بگریزید که من شما را از طرف او بیم دهنده‌ای آشکارم.»

حقیقت مقدر بودن رزق مغایرتی با تحریض به تلاش و تدبیر برای جلب رزق ندارد، چرا که تلاش و تدبیر انسان خود یکی از عوامل مؤثر در تقدیر رزق از سوی خدای سبحان است. (حجتی و رضایی، ۷)

تلاش و تدبیر اختیاری انسان، به خواست حضرت حق در جریان روزی وی دخیل است، اما قطعاً عوامل بیشمار دیگری نیز در این مسیر دخیل اند که خارج از حیطة اختیار انسان اند و خدای سبحان با حکمت بالغه خود علاوه بر اختیار انسان و تلاش و تدبیر مختارانه وی - که به اذن خود حضرت او انسان ممکن به آن می باشد - عوامل دخیل دیگر را چنان تقدیر و ترکیب می فرماید که مناسب با مصلحت حکیمانه حضرتش باشد و همین می شود تقدیر معاش انسان. (همانجا، ۱۱) در قرآن مبین بارها از کسب رزق با تعبیر «ابیغاء فضل الله^۱» و از خود رزق با نام «فضل الله^۲» یا «اعطای الله^۳» یاد شده است که تأکیدی دیگر است بر این که رزق، محصول تقدیر و فضل و بخشش الهی است. (حجتی و رضایی، ۱۳)

یا از حدود ۶۷ موردی که مشتقات مادة «کسب» در قرآن کریم استعمال شده است، تنها ۷ مورد به کسب روزی اشاره دارد و بقیه عمدها^۴ به کسب گناه و ثواب مربوط می شود. (همانجا، ۱۳)

تمام ابعاد زندگی انسان از جنبه‌های فردی و خانوادگی گرفته تا جنبه‌های اجتماعی و در ارتباط با سایر اقوام و ملل قابل تعمیم است.

در این بخش از مقاله تنها بخشی از گزاره‌های قرآن مورد بررسی قرار می گیرد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد مبنای قرآن از بیان گزاره‌های اخلاقی و رفتاری، هدایت انسان به سمت و سوی سعادت و کمال حقیقی است، نه صرفاً حداکثرسازی ثروت، مطلوبیت و مطامع دنیاگی. نکته دیگری که در رابطه با برداشت‌های قرآنی بیان می شود این است که بسیاری از این دلالتها و برداشت‌ها به صورت غیر مستقیم حاصل می شود. لذا در این بخش نیز تلاش می شود بخشی از گزاره‌های قرآنی که به نوعی با تصمیمات و مشی اقتصادی انسان رابطه دارد، بیان گردد.

۵- رزق مقدّر

آیات زیادی از قرآن به رزاقیت خداوند و مقدر بودن رزق و روزی انسان اشاره دارد. به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می شود.

الف- «وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقْرِئَهَا وَ مُسْتَوْدِعَهَا كُلُّهَا» (کتاب مبین) (هود، ۶) «هیچ جنبه‌های نیست مگر اینکه رزقش را خداوند تضمین کرده است.»

در برگزیده تفسیر نمونه در خصوص این آیه می خوانیم:
نخست می گویید: «هیچ جنبه‌های در روی زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن بر خداست، و قرارگاه او را می داند، و از نطاپی که از قرارگاهش به آن منتقل می شود (نیز) باخبر است» و در هر جا باشد روزیش را به او می رساند «وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقْرِئَهَا وَ مُسْتَوْدِعَهَا». «تمام این حقایق (با همه حدود و مرزهایش) در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است»، «كُلُّ فِي كِتَابِ مُبِينٍ». (بابایی، ۲ / ۳۲۵)

همچنین در ادامه اشاره می کند که «نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی در واقع ترمی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تأمین زندگی به هر در می زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی شود.

۱- الجمعة، ۱۰؛ المزمل، ۲۰؛ الاسراء، ۱۲؛ القصص، ۷۳ وغیره

۲- آل عمران، ۱۸۰؛ النساء، ۳۷ وغیره

می‌رساند، و نه نفع، و نه عطا می‌کند و نه منع، چشم امید از خلق برداشت (و به خالق دوختن) هنگامی که چنین شود، انسان جز برای خدا کار نمی‌کند، به غیر او امید ندارد، از غیر او نمی‌ترسد، و دل به کسی جز او نمی‌پنده، این روح توکل است. (مکارم شیرازی، ۲۴/۲۳۹)

همانطور که در آیة شریفه فوق الذکر اشاره شد، انسان می‌بایست به جایگاه و نقش خداوند تعالی و سایر اسباب در تحقق اهداف و مقاصد واقف باشد. این امر موجب می‌شود که انسان پس از عزم و تصمیم بر اراده حقیقی تکیه کند و امور خود را به او بسپارد. بنابر این انسان مطلوب از نگاه قرآن انسان متولّ است و تورش رفتاری که ممکن است از انسان سربرزند این است که انسان در زندگی تکیه خود را برابر چیزی غیر از خدا قرار دهد. (هادوی‌نیا، ۱۰۴)

آنچه از گزاره‌های مورد اشاره در قرآن کریم در خصوص رزق مقدر و همچنین توکل و اتكال به خداوند متعال در عین تلاش و مجاهدت می‌توان برداشت نمود، این است که در امور زندگی و به ویژه امور اقتصادی، اساس و پایه می‌بایست اعتقاد به تقدیر الهی در امر رزق و روزی باشد. بر این اساس آنچه به عنوان وظیفه تلقی می‌شود، تلاش و جهد در عین توکل و استعانت از باری تعالی است. این امر موجب می‌شود بسیاری از صفات و رفتارهای نکوهیده در انسان ظهر پیدا نکند چرا که انسان نقش خویش را در کسب رزق در سایه تقدیر خداوندی و مصلحت ایزدی بیابد.

۵- انسان سخت شیفته مال و ثروت است

طبق آیه شریفه «وَإِنَّ لَهُ الْخَيْرَ لَشَدِيدٌ» (العادیات، ۸)، یعنی «وَأَوْ عَلَاقَهُ شَدِيدٌ بِهِ مَالٌ دَارَدْ» و همین علاقه شدید و افراطی او به مال و ثروت سبب بخل و ناسیپاسی و کفران او می‌شود. اطلاق «خیر» بر «مال» به خاطر آن است که در حد ذات خود چیز خوبی است، و می‌تواند وسیله انواع خیرات گردد، ولی انسان ناسیپاس و بخیل آن را از هدف اصلیش بازداشته و در مسیر خود خواهی و خود کامگی به کار می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۵/۵۶۴)

بر اساس تفسیر المیزان، بعضی از مفسرین گفته‌اند: لام در جمله «لَهُ الْخَيْر» لام تعليل است، و کلمه «خیر» در اینجا به معنای مال است، و معنای جمله این است که انسان برای دوستی مال، بسیار شدید یعنی بخیل و تنگ نظر است. و بعضی گفته‌اند مراد آیه این است که انسان نسبت به مال دنیا شدید الحب است، و این شدت حب و ادارش می‌کند به اینکه از دادن حق خدا امتیاع بورزد، و مال خود را در راه خدا اتفاق نکند. این چنین آیه را تفسیر کرده‌اند. (طباطبائی، ۲۰/۵۹۱)

خلاصه همین مقدار بر عهده فرد است که به اجمال و اعتدال، طلب رزق نماید و باقی را به خدای سبحان بسپارد و مطمئن باشد که او آن مقدار از رزق را که نفع او در آن است برایش خواهد رساند و لذاست که اولاً مؤمن حقیقی به دارایی دیگران حسد نمی‌ورزد چون می‌داند حسدورزی در واقع نارضایتی از تقدیر الهی است. ثانیاً مؤمن برای مال دنیا حرص نمی‌ورزد چون می‌داند که پس از آن که به وظیفه‌اش در مقابل تلاش معاش و اجمال در آن عمل نمود، باقی هر چه نصیبیش شود، صلاح‌دید خدای سبحان است و جای حرص و لع و افسوس و اندوهی نیست. (همانجا، ۱۸ و ۱۹)

بر این اساس یکی از تورش‌های رفتاری که ممکن است در امور اقتصادی برای انسان رخدده و او را از مسیر صلاح و سعادت منحرف کند، حرص و آر از یک سو و حسد و افسوس از سوی دیگر است که ناشی از عدم اعتماد به نقش رزاقیت خداوند است. در قرآن به طور اختصاصی نیز در خصوص ویژگی حرص و طمع سخن به میان می‌آید.

یکی از تعالیمی که در دین بر آن تأکید شده است و ارتباط تنگاتنگی با رزق و روزی دارد مفهوم توکل است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

توصیه به توکل: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغُلْمَرِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (الطلاق، ۳)

«و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

در تفسیر المیزان آمده است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» و کسی که بر خدا توکل کند، از نفس و هوای آن، و فرمانهایی که می‌دهد، خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد، «فَهُوَ حَسْبُهُ» چنین کسی خدا کافی و کفیل او خواهد بود. (طباطبائی، ۱۹/۵۲۷)

همچنین در تفسیر منهج الصادقین می‌خوانیم: ذکر این کلام در این مقام از برای بیان وجوب توکل است بر او سبحانه و تقویض امور به او زیرا که هر که دانست که هر چیزی که هست از ارزاق و غیرها به تقدیر و توقیت او است البته به قدر تسلیم می‌شود و اعتماد به حسن تدبیر و تقدیر او کرده توکل را دثار و شعار خود می‌سازد و نیز از برای تقریر ما تقدم است. (کاشانی، ۳۱۷)

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: از پیک و حی خدا، جبرئیل، پرسیدم: توکل چیست؟ گفت: حقیقت توکل این است که انسان بداند: مخلوق، نه زیان

می‌تواند انسان را غرق در دنیا و دنیاپرستی نماید. لذا اگر انسان خصلت طمع را در مسیر صحیح خود قرار ندهد می‌تواند به عنوان تورشی رفتاری شناخته شود. همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد طمع یا حرص در امور مادی و کسب مال و ثروت بیشتر سوای از تحذیراتی که در مورد آن وجود دارد، با توجه به مکانیسم رزق مقدار، تنها به عنوان یکی از عوامل می‌تواند مؤثر باشد. این در حالی است که حتی با وجود توسعه رزق به واسطه طمع و حرص منجر به تلاش، لزوم سعادت حتی از نوع دنیوی آن محقق نمی‌شود.

۵-۴- اشاره به ویژگی خست و خودخواهی

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّیِّ إِذَا لَأْمَسَكْتُمْ خَشِيَّةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء، ۱۰۰) انسان پیوسته سود مادی خویش را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهد. صاحب البرهان از قول علی بن ابراهیم اشاره آورده است که در اینجا منظور از قتوراً همان بخیلاً است. یعنی انسان بخیل است. (بحراتی، ۳/۵۹۶)

در تفسیر البیان از قول ابن عباس و حسن آمده است که قتور یعنی کسی که برای خرج و مخارج در مضیقه است و همچنین اشاره شده است که این عبارت بر عموم دلالت دارد و یکی از دو حالت زیر برای آن متصور است:

اول- اکثر انسان‌ها اهل جود و بخشش نیستند و صرفه جو و بخیل هستند ولذا جایز است این اکثریت را بر اقلیت غلبه داد.

دوم- هیچ کس نیست مگر اینکه منفعت را به سوی خودش جاری می‌سازد هر چند ضرری متوجه دیگران شود. در ضمن این بخل نسبت به جود الهی، بخل است. (طوسی، ۶/۵۲۵)

در مجمع البیان ذیل «وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» از قول ابن عباس وقتاده اشاره می‌شود یعنی انسان بخیل است. در ادامه نیز اشاره می‌کند که ظاهر این است که این جمله، عموم است. یعنی همه انسانها بخیلنده، حال آنکه می‌بینیم برخی از انسانها بخیل نیستند. لکن از آنجا که اکثر انسانها بخیل هستند، جایز است که جانب اکثر را غلبه دهیم و بگوییم همه انسانها بخیلنده.

علاوه بر آن، انسان هر اندازه هم بخشنده و سخنی باشد، بخشش او در برابر بخشش خداوند ناچیز و سخاوت او بخل است، زیرا انسان، چیزی را می‌بخشد که مورد احتیاجش نباشد. اما آنچه

و بعید نیست مراد از «خیر»، تنها مال نباشد، بلکه مطلق خیر باشد، و آیه شریفه بخواهد بفرماید: حب خیر فطری هر انسانی است، و به همین جهت وقتی زینت و مال دنیا را خیر خود می‌پنداشد قهراً دلش مجنوب آن می‌شود، و این شیفتگی یاد خدا را از دلش می‌برد و در مقام شکرگزاری او بر نمی‌آید. (همانجا، ۲۰/۵۹۲)

بر اساس تفسیر مجتمع البیان فی تفسیر القرآن، (وَإِنَّهُ) و بیگمان انسانی (الْحُبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) حسن گوید یعنی بخاطر دوستی خیری که آن مال است شدید، یعنی برای خاطر آن مال بخیل و ممسک است و منع می‌کند از مالش حق خدای تعالی را. (طبرسی، ۲۷/۲۴۰)

در این آیه خداوند به ویژگی دیگری در انسان اشاره می‌کند. سیاق این آیه نیز همچون سایر آیات معطوف کردن توجه انسان به این واقعیت است که اگر بر اساس حب و علاقه‌ای که به مال دارد، صفت بخل و امساك را در خود کنترل نکند به ورطه ناسیبایی قدم خواهد گذاشت.

اساساً حب و شیفتگی مال و ثروت دنیا را می‌توان ریشه بسیاری از تورشهای رفتاری در امور انسانی و اقتصادی قلمداد کرد. بسیاری از تورشهای و صفات ناپسندی که در ادامه ذکر می‌شوند ریشه‌ای جز حب و شیفتگی به دنیا ندارند. این امر با توجه به عدم باور برخی انسانها به رزاقیت خداوند و لزوم توکل به او تشیدید می‌شود.

۵-۳- اشاره به ویژگی طمع

«وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيَ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَقِيضُ مِنَ الدَّمَعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَأَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (المائدہ، ۸۴) (و برای ما چه [عذری] است که به خدا و آنچه از حق ما رسیده است، ایمان نیاوردیم و حال، آنکه چشم داریم که پروردگارمان ما را با گروه شایستگان [به بهشت] درآورده؟)

در تفسیر مجتمع البیان آمده است: «طمع در لغت به مفهوم اشتیاق از روی شهوت و خواهش نفس نسبت به شیء است (راغب اصفهانی مادة طمع) و در اصطلاح عالمان اخلاق، عبارت است از توقع و چشم داشت به اموال مردم».

از آیه به دست می‌آید که طمع هم در امور مطلوب و هم در امور نامطلوب به کار می‌رود. ولی آنچه در نظام اخلاقی اسلام مذمت شده، طمع در امور نامطلوب است. (طبرسی، ۷/۱۵۰)

بر اساس آنچه در این آیه شریفه آمده است، طمع یکی از خصیصه‌های موجود در انسان است که هم می‌تواند به عنوان محركی برای حرکت پرشتاب به سوی کمال واقعی باشد و هم

که مورد احتیاجش هست، برای خود نگه می‌دارد و از بخشش آن خودداری می‌کند. (طبرسی، ۱۴ / ۲۱۸)

تفسیر دیگر همچون تفسیر الکاشف، تفسیر نور الثقلین و تفسیر الدر المنشور نیز ذیل «و كان الانسان قتوراً» اشاره به خصلت خست، اتلاف و بخل انسان دارند.

بر اساس آیه مورد اشاره و با توجه به سیاق آیه، قرآن انسان را نسبت به ویژگی که در وجود اوست تحذیر می‌کند و آن بخل و خست است. بخل و خست یکی از دام‌هایی است که می‌تواند موجب گرفتاری انسان و باز ماندن او از حرکت به سوی کمال گردد.

در مقابل این ویژگی، قرآن از خصیصه مطلوبی یاد می‌کند و آن ایثار است. «و يؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصه» (المحشر، ۹)

در تفسیر المیزان در خصوص معنای این آیه شریفه آمده است: «ایثار» به معنای اختیار و انتخاب چیزی بر غیر آن است و کلمه «خصوصه» به معنای فقر و حاجت است. راغب گفته کلمه «خصوصات البیت» به معنای شکاف خانه است، و اگر فقر را «خصوصه» خوانده است، بدین جهت است که فقر نمی‌تواند شکاف حاجت را پر کند. معنای آیه این است که انصار، مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند که خود مبتلا به فقر و حاجت باشند و این توصیف از توصیف سابق در مدح رساتر و گرانقدرتر از آن است. پس در حقیقت این آیه در معنای این است که بفرماید: «نه تنها چشم داشتی ندارند. بلکه مهاجرین را مقدم بر خود می‌دارند». (طباطبائی، ۳۵۷ / ۱۹)

تفسیر نمونه ضمن بیان شأن نزول آیه شریفه به مقدم داشتن انصار توسط مهاجرین اشاره می‌کند و سایر نظرات در خصوص شأن نزول را نیز بیان می‌کند. (مکارم شیرازی، ۵۱۹ / ۲۳)

شاید خصیصه رفتاری ایثار چندان در مناسبات اقتصادی جایی نداشته باشد، اما مکانیسم‌هایی که در جامعه اسلامی برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی کل جامعه و کاهش فاصله طبقاتی مطرح شده است مانند خمس، رکات، اتفاق، قرض الحسن، صدقه وغیره، جز در سایه ایثار و از خودگذشتگی قابل حصول نیست. بنابراین از منظر قرآن کریم یکی از ویژگی‌هایی که انسان را از تورش‌های اخلاقی و رفتاری حفظ می‌کند، مقدم داشتن دیگران بر خود و ایثار است.

۵- اشاره به ویژگی کوتاه‌بینی

نمی‌تواند یا نمی‌خواهد منافع واقعی و درازمدت خویش را در نظر گیرد. «بل تحبون العاجله و تذرون الآخرة» (القيمة، ۲۰ و ۲۱)

دلیل اصلی انکار معاد شک در قدرت خداوند و جمع آوری «عظام رمیم» و خاکهای پراکنده نیست، بلکه علاقه شدید شما به دنیا و شهوت و هوسهای سرکش سبب می‌شود که هرگونه مانع و رادعی را از سر راه خود بردارید و از آنجا که پذیرش معاد و امر و نهی الهی، موانع و محدودیتهای فراوانی بر سر این راه ایجاد می‌کند، لذا به انکار اصل مطلب بر می‌خیزید، و آخرت را بکلی رها می‌سازید. (بابایی، ۳۴۶ / ۵)

تفسیر البرهان اشاره می‌کند چون دنیا را حاضر می‌بینند آن را دوست دارند و آخرت را ویران می‌کنند (بحرانی، ۵۳۷ / ۵)

طبق نظر تفسیر مجمع‌الجزئی «بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ تَذَرُّونَ الْآخِرَةَ» یعنی دنیا را بر عقبی و آخرت اختیار کرده برای دنیا کار می‌کنند ولی از روی نادانی و بدی اختیارشان قدمی برای آخرت بر نمیدارند. (طبرسی، ۲۶ / ۱۱۴)

طبق تفسیر الکاشف این آیه در مورد کسانی است که دینشان را به دنیاشان می‌فروشند و به طور کلی کسانی که امور فانی را بر امور باقی ترجیح می‌دهند. (مغنیه، ۷ / ۴۷۲)

بر اساس تفاسیر این آیه یکی از خطاهایی که شاید بتوان آن را از نوع شناختی قلمداد کرد این است که انسان اهداف و مقاصد سریع الحصول را بر مقاصد اساسی و بلندمدت ترجیح می‌دهد. در بازارهای مالی به واقع سفته‌بازی بر اساس همین ویژگی و خصیصه رخ می‌دهد یعنی دستیابی به سود در کوتاه‌ترین زمان ممکن، که البته این امر سفته‌باز را با رسیک زیادی مواجه می‌نماید.

در مقابل این خصیصه در آیات دیگر اشاره به مؤمنانی دارد که ویژگی آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را سرلوحة کار خود قرار می‌دهند.

مؤمنان آینده‌نگر و دارای بینش عمیق هستند: «أَنَّ الَّذِينَ يَتَلَوَّنُكُتبَ اللَّهِ وَ اقَامُوا الصَّلَاةَ وَ انْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمْ سَرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لِنَّ تَبُورَ لَيْوَقِتَهُمْ أَجْوَرُهُمْ وَ يَرِدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (فاطر، ۲۹ و ۳۰)

در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که با توجه به این آیه و آیه پیشین نتیجه می‌گیریم که علمای راستین دارای صفاتی هستند که یکی از آنان این است که از نظر هدف، افق فکرشنان آن چنان بالا

خیر و نافعی که برای خودش و در رابطه با او خیر باشد، و لازمه این حرص این است که در هنگام برخورد با شر مضطرب و متزلزل گردد و نیز لازمه این حرص آن است که وقتی به خیری رسید خود را بر دیگران مقدم داشته، از دادن آن به دیگران امتاع بورزد، پس جزع در هنگام برخورد با شر و منع از خیر در هنگام رسیدن به آن از لوازم هلع و شدت حرص است.

و این هلع که انسان مجبور بر آن است - و خود از فروع حب ذات است - به خودی خود از رذائل اخلاقی نیست، و تنها وسیله‌ای است که انسان را دعوت می‌کند به اینکه خود را به سعادت و کمال وجودش برساند، پس حرص به خودی خود بد نیست، وقتی بد می‌شود که انسان آن را بد کند و درست تدبیر نکند، در هر جا که پیش آمد مصرف کند، چه سزاوار باشد و چه نباشد، چه حق باشد و چه غیر حق، و این انحراف در سایر صفات انسانی نیز هست، هر صفت نفسانی اگر در حد اعتدال نگاه داشته شود فضیلت است، و اگر به طرف افراط و یا تقریط منحرف گردد، رذیله و مذموم می‌شود. (طباطبایی، ۲۰/۱۸)

در تفاسیر دیگر نیز همچون تفسیر مجمع البیان آمده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلُقَ هَلْوَاعًا» البته انسان حریص خلق شد، یعنی بخیل ممسک که از شدت و بسیاری حرص جزع می‌کند. اهل بیان گفته‌اند: تفسیر این آیه در آیه بعد است. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنْوَعًا» یعنی هر گاه ندار شود و تهیdest گردد خودداری و صبر نکند. و هر گاه ثروتمند و توانگر گردد از احسان به مردم خودداری کند. (طبرسی، ۲۵/۳۱۲ - ۳۱۳)

جمعی از مفسران و ارباب لغت "هلوع" را به معنی حریص و جمعی به معنی "کم طاقت" تفسیر کرده‌اند، بنا بر تفسیر اول در اینجا به سه نکته منفی اخلاقی در وجود اینگونه انسانها اشاره شده، "حرص" و "جزع" و "بخل" و بنابر تفسیر دوم به دونکته "جزع" و "بخل" زیرا آیه دوم و سوم تفسیری است برای معنی (هلوع). این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنی در این واژه جمع باشد، چرا که این دو وصف لازم و ملزم یکدیگرند، آدمهای حریص غالباً بخیند، و در برابر حوادث سوء کم تحمل، و عکس آن نیز صادق است. (مکارم شیرازی، ۲۵/۲۷ - ۲۸)

در خصوص علت مذمت این صفت در انسان، علامه طباطبایی اشاره می‌کند که «از آنچه گذشت روشن شد که اگر صفت حرص را در آیات مورد بحث (که از خلقت بشر سخن می‌گوید، و با در نظر گرفتن اینکه می‌خواهد حرص را مذمت کند)، به همه انسانها نسبت داده، با «احسن» بودن خلقت هر چیز که آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» از آن خبر می‌دهد منافات ندارد، چون

است که دل از دنیای مادی زودگذر بر کنده، تنها به تجارت پر سود الهی می‌نگرند که دست فنا به دامانش دراز نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۸/۲۵۱)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: «بِرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» یعنی تجارتی را امیدوارند که به هیچ وجه ضرر نمی‌آورد (طباطبایی، ۱۷/۶۰)

تفسیر مجمع البیان نیز تعبیر مشابهی دارد: «بِرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» یعنی امیدوارند به این انفاق در راه خدا تجارتی را که هرگز کسداد و فاسد نشود و هیچگاه نابود نگردد. (طبرسی، ۲۰/۳۳۰)

آنچه از این آیه به دست می‌آید این است که انسان عالم و مطلوب از دیدگاه قرآن دارای تفکر بلندمدت است و پاداش ابدی و فناپذیر الهی را با چند سکه بیشتر در این دنیا معاوضه نمی‌کند. از این رو دارایی خویش را سودایی مقدس، وسیله‌ای برای نیل به منافع درازمدت و سود ولذت پایدار قرار می‌دهد.

۵- انسان کم‌ظرفیت و کم طاقت است

از این رو در مواجهه با مشکلات اقتصادی بی‌تابی می‌کند و به هنگام گشايش و رفاه بخل می‌ورزد «ان انسان خلق هلوعاً اذا مسّه الشّرّ جزوّعاً و اذا مسّه الخير منوّعاً» (المعارج، ۲۱-۱۹)

تفسیر التبیان از قول ابن عباس و عکرمه اشاره می‌کند که معنای این آیه اول این است که انسان در برابر بلا و مصیبت صبر ضعیفی دارد. همچنین در ادامه اشاره می‌کند که بر اساس معنای سوم زمانی که انسان به خیر و سعادت دنیوی نایل می‌شود، از دادن حق الله مثل زکات وغیره که خداوند بر او واجب نموده است، خودداری می‌نماید. (طوسی، ۱۰/۱۲۱)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: کلمه «هلوع» صفتی است که از مصدر «هلع» - به فتحه هاء و لام - که به معنای شدت حرص است، اشتراق یافته. و نیز گفته‌اند که این کلمه را دو آیه بعد تفسیر کرده، پس هلوع کسی است که هنگام برخورد با ناملايمات بسیار جزع می‌کند، و چون به خیری می‌رسد از انفاق به دیگران خودداری می‌کند.

از نظر اعتبار عقلی هم هلوع چنین کسی است، چون آن حرصی که جبری انسان است حرص بر هر چیزی نیست، بلکه تنها حریص بر خیر و نافع است، آن هم نه هر خیر و نافعی، بلکه

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغِي أُنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (العلق، ۶ و ۷) یعنی انسان زمانی که توانمند و مستغنی می‌شود کفران نعمت می‌کند، دست به طغيان می‌زند و انکار می‌کند. (بحراتی، ۶۹۷/۵) بر اساس تفسیر المیزان: این دو آیه ردع و رد رفتاری است که انسان در مقابل نعمت‌های الهی از خود نشان می‌دهد، رفتاری که از خلال آیات قبل استفاده می‌شود، چون از آیات بر می‌آید که خدای تعالی نعمت‌های بزرگی نظیر تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی را به انسان داده، پس بر انسان واجب است شکر آن را بجای آورد، ولی او بجای شکر، کفران و طغيان می‌کند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغِي» یعنی انسان بجای شکر طغيان می‌کند، و این خبری است از آنچه در طبع بشر است. (طباطبایی، ۵۵۰/۲۰)

در تفسیر مجمع‌البيانات نیز می‌خوانیم: (کلًا) یعنی حقاً «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغِي» که آدمی هر آینه سرکش و طغيان می‌کند از مرز خود تجاوز نموده و بر پروردگارش تکبر نموده و از حد خود می‌گذرد. «أُنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» یعنی هر آینه اگر دید خود را مستغنی و بی‌نیاز از پروردگارش بسبب فامیل و اموال و نیرویش مثل آنکه گفته است طغيان می‌کند و سرکشی می‌نماید کسی که خود را بی‌نیاز از خدا ببیند نه هر کس که توانگر باشد طاغی شود. (طبرسی، ۱۸۳/۲۷)

در سایر تفاسیر از جمله تفسیر منهج الصادقین نیز آمده است: کلًا معنی حقاً است و مرتبط بما بعد یعنی حقاً «إِنَّ الْإِنْسَانَ بَدْرَتِی» که آدمی لَيَطْغِی هر آینه از حد بیرون می‌رود و گردن کشی می‌کند بر خدا. «أُنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» بجهت آنکه دیده است خود را که بی‌نیاز شده است، یعنی توانگر گشته به کثرت عشیره و اموال و مزیت قوت، و بنا بر ردع کلام مستائف است. از قاتده منقول است که معنی طغيان او اینست که چون مالش زیاد شود در جام‌های فاخر و طعامهای پاکیزه و اسباب نیکو می‌افزاید، (کاشانی، ۲۹۷/۱۰)

در تفسیر نمونه به نیاز دائمی انسان اشاره می‌کند. انسان و هیچ مخلوق دیگر هرگز بی‌نیاز و مستغنی نخواهد شد، بلکه موجودات ممکنه همیشه نیازمند به لطف و نعمت‌های خدا هستند، و اگر لحظه‌ای فیض او قطع شود درست در همان لحظه همه نابود می‌گردند، متنها انسان گاهی به غلط خود را بی‌نیاز می‌پنداشد، و تعبیر لطیف آیه نیز اشاره به همین معنی است که می‌گوید: «خود را بی نیاز می‌بیند» نمی‌گوید: «بی نیاز می‌شود». (مکارم شیرازی، ۱۶۴/۲۷)

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، حکمت بالغه الهی بر میزان رزق انسان تعلق می‌گیرد. یکی از فلسفه‌های حکمت الهی در رابطه با میزان رزق در همین مورد اخیر قابل مشاهده است و آن

حرصی که منسوب به خداست حرص بر خیر واقعی است، و حرصی که صرف جمع مال و غفلت از خدا می‌شود منسوب به خود انسانها است، این خود انسان است که حرص خدادادی را مثل سایر نعمت‌ها به سوء اختيار و کج سلیقه‌گی خود به نقمت مبدل می‌سازد. (همو، ۲۰/۲۰) در مجموع در می‌یابیم که خداوند متعال برخی صفات انسان را همچون حرص و کم‌طاقي و جزع و فزع در مشکلات و نیز فراموش کردن حق خدا و مردم در زمان توانگری را مذمت می‌کند. البته این صفات به خودی خود دلالت بر حب ذات در انسان دارد ولی زمانی که انسان آنها را در مسیری غیر از کمال واقعی به کار می‌گیرد، مذموم خواهد بود. در همین حال قرآن کریم در آیه دیگری انسان خویشتن دار و صبور را انسان مطلوب معرفی می‌کند.

«انسان متین و خویشتن دار است»: (وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ) (الحج، ۳۵) در تفسیر تبیان آمده است که یعنی کسانی که بر آنچه خداوند آنها را مبتلا می‌کند از بلا در دنیا، انواع مصیبت‌ها، امراض و دردها صبر می‌کنند. (طوسی، ۳۱۵/۷) همچنین در تفسیر مجمع‌البيانات آمده است: وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ: و آنها که در برابر بلاها و مصیبتهای و بر طاعت خدا صبر می‌کنند. (طبرسی، ۲۱۳/۱۶)

تفسیر نمونه در رابطه با این آیه می‌گوید: عظمت حادثه هر قدر زیاد و ناراحتی آن هر قدر سنگین باشد در برابر آن زانو نمی‌زنند، خونسردی خود را از دست نمی‌دهند، از میدان فرار نمی‌کنند، مایوس نمی‌شوند، لب به کفران نمی‌گشایند و خلاصه ایستادگی می‌کنند و پیش می‌روند و پیروز می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۰۳/۱۴)

یکی از خصائیلی که خداوند در قرآن به عنوان ویژگی انسان مطلوب یاد می‌کند، شکیبایی و صبر در برابر نابسامانیهای اقتصادی و مشکلات زندگی است. همانطور که در آیات دیگر نیز به آن اشاره شد، صبر در برابر ناملایمات انسان را از افتادن در دام ناسپاسی و کفران باز می‌دارد. در عرصه‌های اقتصادی نیز تعجیل و زود نامید شدن موجب عدم تصمیم‌گیری صحیح در انسان می‌شود.

۵- انسان در صورت توانگری سرکشی می‌کند

یکی از تورش‌های رفتاری که انسان‌ها معمولاً گرفتار آن می‌شوند، فراموش کردن نعمات الهی و طغيان در زمانی است که توانگر و بی‌نیاز هستند. در تفسیر البرهان در اینباره می‌خوانیم:

همچنین علی‌علیه‌السلام در یکی از کلمات حکمت آمیز خود در نهج البلاغه می‌فرماید: «هنگامی که مقدمات نعمتهاي خداوند به شما میرسد سعی کنید با شکرگزاری، بقیه را به سوی خود جلب کنید، نه آنکه با کمی شکرگزاری آن را از خود برانید.» (مکارم شیرازی، ۱۰/۲۸۲)

قرآن کریم به کاربستن مبانی و اصول اخلاقی ایمان، تقوی، شکر و غیره را عامل افزایش برکات الهی و کفران نعمت، اسراف، طغیان و غیره را عامل از بین رفتن، نعمت‌ها و بلاهای می‌داند: «اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوی پیشه می‌کرند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم، ولی آنها تکذیب کردند. پس ما نیز ایشان را به سزای آنچه می‌کردند، گرفتار ساختیم» (الاعراف، ۹۶)

بر این اساس یکی از مهمترین اصول رفتاری از نگاه قرآن شکر نعمت است که حاصل آن فروزنی نعمت و برکت است. لذا اگر انسان صرفاً منافع دنیوی را نیز در نظر بگیرد، باید بداند که شکر نعمت است که عامل افزایش و فروزنی نعمت خواهد بود. این صفت و خصیصه‌های علی‌رغم تورش سرکشی در زمان بی‌نیازی موجب رشد و تعالی انسان می‌گردد.

۵-۸- انسان بر خود می‌بالد و بر دیگران فخر می‌فروشد

«اَنَّهُ لِفَرْحٍ فَخُورٌ» (هود، ۱۰) در خصوص این آیه شریفه در تفسیر تبیان اشاره می‌شود که فرح همان افتتاح قلب و ضد غم است مانند سوره. همچنین اشاره می‌کند که فرح لذتی قلبی است که این لذت از لذات حسی عظیم‌تر است. سپس در خصوص فخر توضیح می‌دهد و اشاره می‌کند فخر یعنی کسی که زیاد فخر می‌فروشد و این صفتی مذموم است چرا که مطلق است و در آن تکبر نسبت به اموری که نباید وجود دارد. (طوسی، ۴۵۴/۵) در تفسیر مجمع‌البیان نیز تفسیر مشابهی از این آیه می‌شود. (طبرسی، ۱۴۵/۵)

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در رابطه با علل بروز این صفات در انسان می‌گوید: «و اینکه فرمود «إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ» به منزله تعلیل برای جمله «أَيُّقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيَّاتُ عَنِّي» است که می‌فرماید؛ علت خاطر جمعیش این است که او آن چنان خوشحال می‌شود که خیال می‌کند همیشه در این حال باقی خواهد ماند چون که نعمت را بعد از بلاء چشیده است و اگر او فکر می‌کرد که آنچه از نعمت که در اختیار او است زوال پذیر است و نمی‌توان به بقاء و دوام آن اعتماد نمود، چون امر به دست او نیست، بلکه به دست غیر او است در این صورت دیگر خوشحال نمی‌شد، چون هیچ انسان عاقلی درباره امری مستعار و ناپایدار خوشحالی نمی‌کند.

ظرفیت وجودی انسان برای دریافت رزق موسوع‌تر است (رزق می‌تواند در زمینه علمی باشد و فقط مادیات منظور نظر نیست). طبق آیه شریفه مورد اشاره انسان با احساس استغناء در برابر خدای خویش سرکشی و طغیان می‌کند.

یکی از عوامل و مکانیسم‌هایی که می‌تواند ضمن کنترل طغیان‌گری انسان، اسباب توسعه رزق او را فراهم کند شکر و سپاس از خداوند (شکر نعمات) است؛ «و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷) در تفسیر البرهان با استناد به روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: ایشان فرمودند «کسی که شکر به جای آورد، داشته‌هایش فوزنی می‌یابد چرا خداوند متعال می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ». (بحرانی، ۳/۲۸۸)

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: امام صادق (ع) فرمود: از این آیه بر می‌آید که هر بنده‌ای که به او نعمتی عطا شد و به قلب خود به آن نعمت اقرار و خداوند را بزبان خود، ستایش کرد، سخشنش به پایان نمی‌رسد، جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود. (طبرسی، ۱۳/۱۰۲)

بر اساس گفتار تفسیر نمونه در رابطه با آیه شریفه «و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن «الحمد لله» و مانند آن نیست، بلکه شکر دارای سه مرحله است نخستین مرحله آن است که به دقت بیندیشیم که بخششده نعمت کیست؟ این توجه و ایمان و آگاهی پایه اول شکر است، و از آن که بگذریم مرحله زبان فرا می‌رسد، ولی از آن بالاتر مرحله عمل است، شکر عملی آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده است آن را در مورد خودش صرف کنیم که اگر نکنیم کفران نعمت کرده‌ایم.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کمترین شکر این است که نعمت را از خدا بدانی، بی‌آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود، و خدا را فراموش کنی، و همچنین راضی بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی، و اوامر و نواهی او را با استفاده از نعمتهایش زیر پا نگذاری.»

حدیثی دیگری از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر نور الشقلین نقل شده آنجا که می‌فرماید: «شکر نعمت آنست که از گناهان پرهیز شود.» (مکارم شیرازی، ۱۰/۲۷۵)

مجید نیز گاهی در همین معنی وسیع استعمال شده مانند «وَالذِّينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ»؛ (کسانی که از گناهان بزرگ و از اعمال زشت و قبیح اجتناب می‌کنند...). (الشوری، ۳۷). و به این ترتیب وسعت مفهوم آیه کاملاً روشن می‌شود. (مکارم شیرازی، ۴۰۳/۱۴ - ۴۰۴)

در تفسیر نورالتلقلین روایتی را از اسحق بن عمار و او هم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. ایشان می‌فرماید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است. (عروسوی حوزی، ۵۸۳/۳)

در تفسیر نمونه در خصوص اشاعة فحشا اشاره می‌کند؛ از آنجایی که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود. اگر می‌بینیم دستور عیب‌پوشی داده شده یک دلیلش

همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند. (مکارم شیرازی، ۴۰۵/۱۴ - ۴۰۶)

در تفسیر نمونه مبحوثی در خصوص شایعه‌سازی مطرح می‌شود. اگر چه مؤلف در این بیان در موضع توجه دادن نسبت به شایعه‌سازی دشمنان برآمده است، لکن با توجه به جایگاه شایعه‌سازی در بازارهای مالی که بر اساس اخبار بی‌اساس موجب سود عده‌ای و زیان دیگران می‌شوند، ارائه مطالب مورد اشاره در تفسیر نمونه خالی از لطف نیست.

این کافی نیست که ما بدانیم چه انگیزه‌ای سبب شایعه‌سازی است، مهم آن است که جامعه را از اینکه آلت دست شایعه‌سازان گردد و به نشر آن کمک کند و با دست خود وسیله نابودی خویش را فراهم سازد بر حذر داریم، و به مردم توجه دهیم که باید هر شایعه را همانجا که می‌شنویم دفن کنیم و گرنه دشمن را خوشحال و پیروز ساخته‌ایم، به علاوه مشمول عذاب الیم دنیا و آخرت که در آیات فوق به آن اشاره شده خواهیم بود. (مکارم شیرازی، ۴۰۸/۱۴)

بنابر این یکی از روش‌های غیر قابل قبول در تمام عرصه‌های زندگی انسانی و از جمله عرصه اقتصادی، اشاعة زشتی‌ها است که شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی قولی و عملی می‌تواند از آن‌ها باشد. همانطور که می‌دانید شایعه‌پراکنی در امروزه در بازارهای مالی خود ابزاری برای کسب سود و هدایت سرمایه‌گذاران بی‌اطلاع به سمت و سوی مورد نظر است. این مسأله در بورس بازی نمود بیشتری پیدا می‌کند.

هم چنان که علت فحور بودنش همان سرور است، انسان وقتی به نعمتی می‌رسد بر دیگران فخر فروشی می‌کند، با اینکه فخر، مخصوص کرامت و فضیلتی است که خود انسان برای خود کسب کرده باشد، نه فضایلی (از قبیل زیبایی، خوش‌قامتی، سلامت، ثروت و هر نعمت دیگر) که به انسان داده شده است. پس، از فخر فروشی اینگونه انسانها فهمیده می‌شود که او نعمت را از خودش و اختیار آن را به دست خودش می‌داند نه به دست دیگری، و کسی را سراغ ندارد که نعمت را از او سلب کند، و یا گرفتاریهایی که داشته به او برگرداند، و به این جهت است که به دیگران فخر می‌فروشد». (طباطبایی، ۲۳۴/۱۰)

بر این اساس صفت رفتاری دیگری که منشأ شناختی دارد، همین سرور و فخر فروشی نسبت به امور و نعماتی است که زوال پذیر هستند. همانطور که در آیات دیگر نیز اشاره شد انسان نمی‌باشد در صورت دفع بلا و گرفتاری و یا رسیدن به نعمت و آسایش تکبر و فخر فروشی نماید.

۵- اذار نسبت به شایع کردن زشتیها (تشیع فاحشه)

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشْيَعَ الْفَاحِشَةَ فِي الْأَذْيَنَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ» (النور، ۱۹) کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع پیدا، عذاب در دنیا که برای آنان در دنیا و آخرت است.

در تفسیر التبیان اشاعة فحشا را افعال قبیح می‌داند و جزای آن را حد زدن در دنیا و عذاب آتش در آخرت معرفی می‌کند. (طوسی، ۴۱۹/۷)

در تفسیر المیزان می‌خوانیم: مقصود از «فاحشه» مطلق فحشاء است، چون زنا و قذف و امثال آن، و دوست داشتن اینکه فحشاء و قذف در میان مؤمنین شیوع پیدا کند، خود مستوجب عذاب الیم در دنیا و آخرت برای دوست دارنده است. (طباطبایی، ۱۳۲/۱۵)

در تفسیر نمونه در خصوص این آیه شریفه آمده است: «ضمناً باید توجه داشت که «اشاعه فحشاء» منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساسی را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد، این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هر گونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبائح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود».

البته کلمه «فاحشه» یا «فحشاء» در قرآن مجید غالباً در موارد انحرافات جنسی و آلودگی‌های ناموسی به کار رفته، ولی از نظر مفهوم لغوی چنان که «راغب» در «مفردات» گوید «فحش» و «فحشاء» و «فاحشه» به معنی هر گونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد، و در قرآن

شدت توسط حق تعالیٰ مؤاخذه می‌شود و حتی عقوبت دنیوی نیز برای آن در نظر گرفته شده است. این امر نشان می‌دهد که یکی دیگر از تورش‌های رفتاری که انسان‌ها در عرصه اقتصادی ممکن است گرفتار آن شوند، سوگند دروغ است.

۵-۱۱- لزوم رعایت اصل عدالت و نفی کم فروشی

وَ أُوفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ حَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا
(الاسراء، ۳۵)

تفسیر المیزان اشاره می‌کند که این آیه امر به مراعات عدالت و وفادار کیل و وزن و بیان «خیر» و «احسن تأویلًا» بودن آن دارد. کلمه «قسطاس» (به کسر قاف و هم به ضم آن) به معنای «ترازو و میزان» است. کلمه «خیر» به معنای آن چیزی است که وقتی امر دایر شد بین آن و یک چیز دیگر آدمی باید آن را اختیار کند، و کلمه «تأویل» هر چیزی به معنای حقیقتی است که امر آن چیز بدان منتهی گردد، و اینکه می‌فرماید: ایفاء کیل و وزن و دادن آن به قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً کم فروشی یک نوع دزدی ناجوانمردانه است و ثانیاً وثوق و اطمینان را بهتر جلب می‌کند. (طباطبایی، ۱۲۵/۱۳)

در تفسیر مجتمع البیان می‌خوانیم: هرگاه برای مردم چیزی را پیمانه می‌کنید، حقوقشان را به طور کامل ادا کنید و چیزی از آن کم نکنید. زجاج گوید: قسطاس یعنی میزان، خواه کوچک باشد خواه بزرگ. حسن گوید: قیان است. مجاهد گوید: این کلمه، رومی و به معنای عدل است. یعنی به وسیله میزانی که در آن ضرر و زیانی نباشد، وزن کنید. ذلک خیر قتاده گوید: یعنی ثواب این کار، بیشتر است. عطاء گوید: یعنی به خدا نزدیک است. برخی گویند: مقصود این است که اگر در دنیا پیمانه و وزن را به دقت، انجام دهید، برای دنیای شما بهتر است. زیرا باعث خوش نامی شما می‌شود و مردم شما را امانتدار می‌شناسند. وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا و همچنین سرانجام این کار، در عالم آخرت هم بهتر است. بدین ترتیب، خداوند متعال مردم را تشویق می‌کند که، مردم رعایت حقوق یکدیگر را بکنند و در داد و ستد اجناس را به دقت پیمایند یا وزن کنند. (طبرسی، ۱۳۲/۱۴)

در تفسیر الكافش ضمن بیان اهمیت وزن و کیل و وجوب شرعی و عرفی آن اشاره می‌کند، راز این عمل این است که حیات اجتماعی جز با رعایت عدل نظم نمی‌یابد. (مغنية، ۴۳/۵) غیر از آیة ۳۵ سوره اسراء، آیات دیگری نیز در این باب وارد شده است. در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

در واقع بورس بازی فعالیتی اقتصادی است که به هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. بی‌تردید در اسلام هر گونه فعالیتی که به تغییر مصنوعی قیمت کالا یا هر نوع دارایی بینجامد، ممنوع شده است. در شریعت اسلام، قوانینی وجود دارد که از انجام معاملات صوری، احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و مانند آن جلوگیری می‌کند. (میرمعزی، ۵۱ و ۵۲)

۵-۱۰- اندار نسبت به سوگند‌های بیهوده

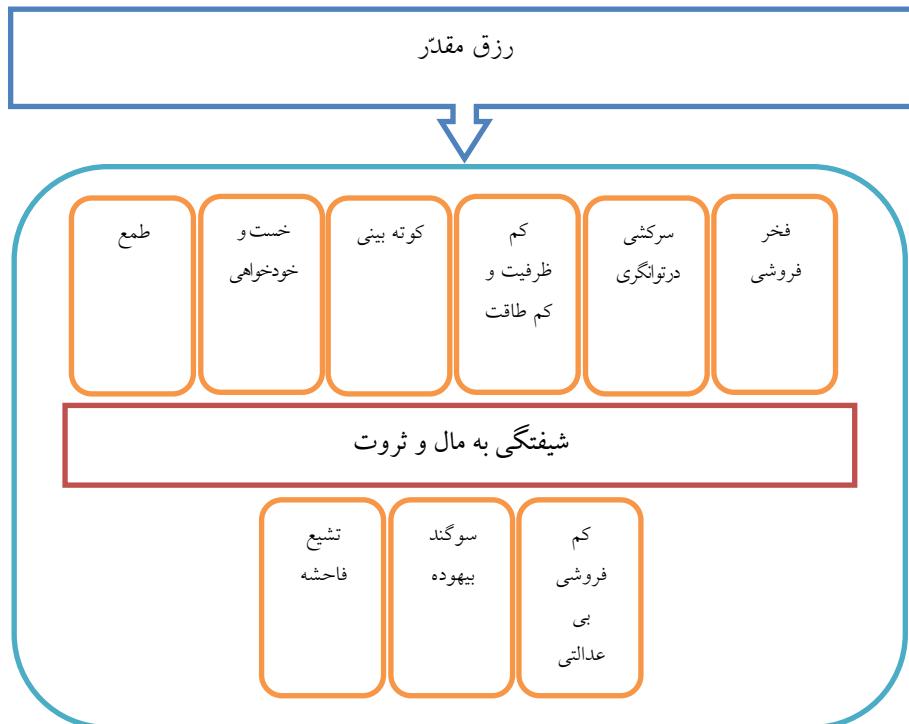
لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغُو فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ ... (المائدہ، ۸۹) خداوند شما را در مقابل آن سوگند‌هایتان که از روی اراده نیست، مؤاخذه نمی‌کند ولی شما در مقابل آن سوگند‌هایی که محکم کرده‌اید مؤاخذه می‌کند

در تفسیر نمونه آمده است: «منظور از سوگند لغو چنانکه مفسران و فقهاء گفته‌اند، سوگند‌هایی است که دارای هدف مشخص نیست و از روی اراده و تصمیم سرنمی‌زنند. قسم دوم از سوگند‌ها، سوگند‌هایی است که از روی اراده و تصمیم و بطور جدی یاد می‌شود، درباره این نوع قسم ها، قرآن در ادامه آیه چنین می‌گوید: «خداوند شما را در برابر چنین سوگند‌هایی که گره آن را محکم کرده‌اید مؤاخذه می‌کند و شما را موظف به عمل کردن به آن می‌سازد» (بابایی، ۵۵۲/۱)

در تفسیر الكافش اشاره می‌کند که منظور از «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغُو فِي أَيْمَانِكُمْ»، قسم لغو است و آن قسمی است که بدون قصد از زبان انسان خارج می‌شود اما منظور از «وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ»، قسم شرعی است که وفای به آن واجب است. (مغنية، ۱۱۹/۳) (۱۲۰)

در تفسیر نور الثقلین با ذکر احادیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره می‌کند که منظور از قسم لغو، قسمی است که قسم شرعی نباشد و بدون قصد خاصی صادر شود. (عروسوی حویزی، ۱/۶۶۵) در تفسیر الدر المنشور نیز احادیث مشابهی با همین مضامین در خصوص قسم لغو و قسم واقعی بیان شده است. (سیوطی، ۳۱۲/۲)

به طور کلی یکی از اموری که در جوامع برای اثبات حقانیت و صدق و راستی مورد استفاده قرار می‌گیرد، قسم سوگند است. صرف نظر از قبح سوگند دروغ و آثار منفی آن، بر اساس آیة شریفة فوق، سوگند در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و لذا سوگند دروغ به



۶- نتایج مقاله

همانطور که اشاره شد، مالی رفتاری رهیافت جدیدی در بازارهای مالی است تا مشکلات پارادایم سنتی و متعارف را بر اساس دستیافتهای روانشناسی شناختی پاسخ دهد. یکی از مباحثی که در پارادایم مالی و اقتصاد رفتاری طرح می‌شود خطاها انسان در اتخاذ تصمیمات اقتصادی خداوندی است. روانشناسان شناختی ریشه این انحرافات و تورش‌ها را شناخت انسان از محیط و پدیده‌ها معرفی می‌کنند و معتقدند این تورش‌های شناختی به خطاها رفتاری منجر می‌شود. اما غایت و هدف طرح اینگونه مباحث و معرفی تورش‌های رفتاری، بر حذر داشتن انسان از افتادن در دام زیان و خسارت مادی است.

از سوی دیگر خداوند متعال در قرآن کریم نیز انسان را متوجه برخی ویژگی‌ها و خصایص خود می‌نماید و نسبت به برخی رفتارها و خطاها هشدار می‌دهد. اگرچه قرآن نیز در صدد هدایت انسان به سمت مطلوبیت بیشتر است لکن این مطلوبیت بیشتر در رسیدن به سعادت و کمال حقیقی و باقی تعریف می‌شود.

در جایی دیگر با لحنی شدید و تهدید آمیز می‌گوید: «وَيُلِّلُ الْمُطَفَّفِينَ إِذَا اكْتَلُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتُوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَّنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظْنُ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ»: وای بر کم فروشان! آنها که به هنگام خرید، حق خود را بطور کامل می‌گیرند، و به هنگام فروش از کیل و وزن کم می‌گذارند، آیا آنها گمان نمی‌کنند که در روز عظیمی برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا (المطففين، آیات ۱-۴). (مکارم شیرازی، ۱۱۲/۱۲)

تفسیر نمونه در زمینه کم فروشی ادامه می‌دهد؛ نکته دیگر اینکه گاهی مسأله کم فروشی تعمیم داده می‌شود به گونه‌ای که هر نوع کم کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود. البته الفاظ آیاتی که در بالا گفته شد مستقیماً شامل این تعمیم نیست، بلکه یک توسعه عقلی است ولی تعبیری که در سوره "الرحمن" خواندیم: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» اشاره‌ای به این تعمیم دارد. (مکارم شیرازی، ۱۱۳/۱۲)

اصل عدالت یکی از اصول ثابت اسلام است که در مواضع مختلفی نیز در قرآن به آن اشاره شده است. عدالت در عرصه‌های اقتصادی و مالی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و بی مبالاتی در رابطه با آن انسان را به ورطة کم فروشی، تغلب و خدشه می‌کشاند. یکی از تورش‌های رفتاری در جوامع امروزی عدم توجه به مسأله عدالت در مناسبات اقتصادی و مشخصاً کم فروشی در اسکال مختلف به منظور کسب سود و عایدی بیشتر است.

در پایان تورشهای رفتاری مورد اشاره بر اساس آیات شریفه قرآن کریم با توجه به ریشه عمده آنها یعنی حب و شیفتگی به مال و ثروت و همچنین با در نظر گرفتن حاکمیت مقدرات و تدبیر خداوندی در این خصوص در قالب شکل زیر بیان شده است:

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
 ۲- ابروان، جواد، اخلاقی اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۳ ش.
 ۳- اسلامی بیدکلی، غلامرضا؛ کردلویی، حمید رضا، مالی رفتاری، مرحله‌ی گذر از مالی استاندارد تا نوروفایناس، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادر، شماره ۱ ص ۱۹ - ۳۶ - ۱۳۸۹ ش.
 ۴- بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۲ ش.
 ۵- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ش.
 ۶- بدربی، احمد؛ گودرزی، ندا، مالی رفتاری، سوگیری نماگری و متغیرهای بینادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادر تهران، مجله خودخواهی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۴۳، ص ۵۷ - ۸۸، پاییز ۱۳۹۳ ش.
 ۷- تانگی، احمد، تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری، مجله تحقیقات مالی، شماره ۱۷، ص ۲۶ - ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۸۳ ش.
 ۸- حاجی اسماعیلی، محمد رضا، مفهوم‌شناسی رستگاری در قرآن کریم، مجله صحيفه مبین، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۶ ش.
 ۹- حجتی، سید محمدباقر؛ رضابی، علی، جمع میان مفهوم مقدار بودن رزق با تأثیر تلاش و تدبیر در جلب رزق، مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۶ ش.
 ۱۰- خواجهی، شکرالله؛ قاسمی میثم، فرضیه‌ی بازار کار و مالی رفتاری، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۰، ص ۴۹ - ۷۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ ش.
 ۱۱- رهنما رودپیشی، فریدون؛ زندیه، وحید، مالی رفتاری و مالی عصیانی (پارادایم نوین مالی) از تئوری تا عمل، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۲- سعیدی، علی؛ فراهانیان، محمد جواد، مبانی مالی و اقتصاد رفتاری، چاپ اول، تهران: شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۳- سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله المرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ش.
 ۱۴- شرفی، عنایت، اخلاق اقتصادی از منظر قرآن کریم، فصلنامه آفاق دین، سال ۱، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰ ش.
 ۱۵- طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، به ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ ش.
 ۱۶- طرسی، فضل بن حسن، مجمع‌الجزئی تفسیر القرآن، به ترجمه گروه مترجمان، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
 ۱۷- طوسی، محمد بن حسن، التیبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا، بی‌جا.
 ۱۸- عروسی حوزی، عبد علی بن جعفر، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۹- کاشانی، ملا فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
 ۲۰- کبیری، زینب؛ معلمی، حسن، مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبائی، مجله معرفت اخلاقی، سال اول، شماره ۱۳۸۸ ش.
 ۲۱- لشکری، محمد؛ مرتاضی، همایش، ظریفه مالی رفتاری و تأثیر آن بر حجم سرمایه‌گذاری افراد در بورس اوراق بهادر تهران، مجله راهبرد، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۰ ش.
 ۲۲- مصوصی نیای غلامعلی، اخلاق اقتصادی؛ مبانی پیشی، آموزه‌ها و آثار، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳۸۶ ش.
 ۲۳- مجتبی، محمد جواد، تفسیر الکافش، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
 ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
 ۲۵- میرمغری، سید حسین، بورس بازی از دیدگاه فقه، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۲ ش.
 ۲۶- هادی‌بن، علی اصغر، جایگاه اقتصادی سنت رزق، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶ ش.
 27- Imran Tahir, Mark Brimble, (2011) "Islamic investment behaviour", International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 4 Iss: 2, pp.116–130
- 28- Pitluck, Aaron Z. (2008). "Moral Behavior in Stock Markets: Islamic Finance and Socially Responsible Investment" Economics and Morality: Anthropological Approaches, Society for Economic Anthropology (SEA) Monographs, edited by K. E. Browne and B. L. Milgram. Lanham: AltaMira Press, Rowman & Littlefield Publishers, Pp. 233-55
- 29- Tversky, Amos. (1995). "The Psychology of Decision Making", AIMP Conference Proceedings, Behavioral Finance and Decision Theory in Investment Management, December 1995, Issue 7, 7-13
- 30- Statman, Meir. (1995). "Behavioral Finance versus Standard Finance", AIMP Conference Proceedings, Behavioral Finance and Decision Theory in Investment Management, December 1995, Issue 7, 14-22
- 31- Baker, H. Kent. Nofsinger, John R. (2010). "Behavioral Finance: An Overview", Behavioral finance: investors, corporations, and markets Handbook, H. Kent Baker and John R. Nofsinger, editors, JohnWiley & Sons
- 32- Dowling, Michael. Lucey, Brian. (2010). "Other Behavioral Biases". Behavioral finance: investors, corporations, and markets Handbook, H. Kent Baker and John R. Nofsinger, editors. JohnWiley & Sons
- 33- Toma, Filip-Mihai. (2015). "Behavioral biases of the investment decisions of Romanian investors on the Bucharest Stock Exchange". Emerging Markets Queries in Finance and Business. Procedia Economics and Finance 32 (2015) 200–207
- 34-Ackert, Lucy F. Deaves, Richard. (2010). "BEHAVIORAL FINANCE, Psychology, Decision-Making, and Markets", South-Western, Cengage Learning

در این تحقیق تلاش شد تا ضمن تبیین تفاوت مبنایی میان خاستگاه طرح تورش‌های رفتاری در اقتصاد متعارف و نگاه قرآن، برخی از تورش‌های رفتاری مورد اشاره قرآن را که در صورت بی‌توجهی می‌تواند انسان را به ورطه خسران و زیان بکشاند معرفی شود. برخی از این تورش‌ها که به ویژه در عرصه‌های اقتصادی نمود پیدا می‌کند عبارتند از حرص و طمع، کوتاه‌بینی، خست و خودخواهی، کم‌طاقي و عدم صبر، کم فروشی و عدم رعایت عدالت که میتوان ریشه آنها را در حب و شیفتگی انسان به مال و ثروت دانست. از دیدگاهی وسیعتر بر اساس گزاره‌های قرآنی، مکانیسم رزق مقدر و رابطه آن با تلاش و توکل بر تمام مناسبات انسانی و به ویژه اقتصادی حاکم است و علت بسیاری از تورشها عدم باور به این موضوع می‌باشد.

در مجموع این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که در حالی که اقتصاد متعارف در مسیر کشف تقاض و کاستی‌های نظریه‌های سنتی و اصلاح آنها با هدف کسب مطلوبیت بیشتر و حداثرسازی ثروت به دانش مالی رفتاری رسیده است و در آن عرصه نسبت به اشتباہات و خطاهای دام‌های رفتاری و شناختی که ممکن است انسان اقتصادی را از مسیر مطلوب دور کند، قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دین میین اسلام نیز به گونه‌ای به دام‌ها و خطاهایی اشاره می‌کند که در عرصه‌های گوناگون و به ویژه اقتصادی می‌تواند دامن گیر انسان شود و او را از مسیر مطلوب دور کند البته مسیر مطلوب انسان تنها در این دنیا خلاصه نمی‌شود، بلکه بخش عمده آن مختص به آخرت و دنیای باقی است.